

درس هفتم

بازگشت

خدای متعال به حضرت داود عليه السلام فرمود :

ای داود، اگر روی گردانان از من می‌دانستند که چگونه انتظار آنها را می‌کشم و شوق بازگشتشان را دارم، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می‌دادند و بندبند وجودشان از محبت من از هم می‌گسست^۱.

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامه راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱- میزان الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷. (یا داود! لو علم المدبرون عنی کیف انتظاری لهم وثوقی الی توبتهم

کما تواسوقاً الی و لنتفرقت اوصالهم».

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانه با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و می‌گساری پهن بود و جام شراب پیایی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید:

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت: آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت: معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکت زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید: «چرا معطل کردی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: «مردی با چنین وضع و شمایی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا صاحبخانه را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله «اگر بنده می‌بود، بندگی می‌کرد و حرمت صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. یکباره از جا برخاست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گوینده سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی علیه السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُسْرین حارث که تا آن روز در زمره اشراف زادگان و عیاشان قرار داشت، در سلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.^۱

انقلاب علیه خود

در میان مخلوقات، انسان موجودی است که علاوه بر ایستادگی در برابر موانع بیرونی می‌تواند در برابر موانع درونی نیز ایستادگی کرده و حتی علیه خود انقلاب کند؛ بدین معنا که هم می‌تواند با پیروی از عقل علیه تمایلات نابه‌جا و ناپسند خود قیام کند و هم می‌تواند با پیروی از نفس اماره و انجام گناه، از فرمان‌های خداوند سرپیچی کرده و به خود ستم کند.

۱- داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴

با توجه به آنچه در سال‌های قبل درباره «نفس اماره» و «نفس لوامه» و «خوددانی» و «خودعالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱- مقصود از انقلاب علیه خود چیست؟ کدام خود علیه دیگری انقلاب می‌کند؟

.....

۲- انقلاب علیه خود در چه صورتی پسندیده و در چه صورتی ناپسند است؟

.....

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشتهٔ محبتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. البته اشتیاق ما به خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همهٔ ابزارهای رستگاری را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

پیش‌از این کاین‌سقف سبز و طاق مینا برکشند منظر چشم مرا ابروی جانان طاق بود
از دم صبح ازل تا آخر شام ابد دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود
سایهٔ معشوق اگر افتاد بر عاشق چه شد ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود!

حقیقت توبه

توبه به معنای بازگشت است و در مورد بندگان، به معنای بازگشتن از گناه به سوی خداوند و قرار گرفتن در دامن عفو و غفران اوست. و این حالت آنگاه رخ می‌دهد که انسان از گناه پشیمان شده و قصد انجام آن را نداشته باشد. پس حقیقت توبه پشیمانی قلبی از گناه و تصمیم بر عدم انجام آن است. با بازگشت گناهکار، خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد و درهای رحمتش را به رویش می‌گشاید و آرامش را به قلب او باز می‌گرداند.

تدبیر در آیات ۱

در آیه زیر تدبیر کنید و به سؤال‌ها پاسخ دهید :

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ
وَاصْلَحَ
فَإِنَّ اللَّهَ يُتُوبُ عَلَيْهِ
إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

کسی که بعد از ستمی که کرد
بازگردد و خود را اصلاح کند
خداوند نیز به سوی او باز می‌گردد
زیرا که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است

۱- در این آیه چه نامی به گناه داده شده؟ چرا؟

.....
.....

۲- مقصود از «توبه خداوند» چیست؟

.....
.....

پس، اصل و اساس توبه، همان حالت پشیمانی قلبی و تصمیم بر انجام ندادن است. آدابی هم ندارد. همین که بعد از انجام گناه، انسان در دل احساس پشیمانی کند و زبان حالش این باشد که چقدر بد شد! کاش این کار را نمی‌کردم، چرا به فرمان خدا بی‌توجه بودم؟ توبه انجام شده و گناهش بخشیده می‌شود. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «برای توبه کردن پشیمانی کافی است»^۱

چنین انسانی واقعاً در دل «استغفرالله» را گفته است، گرچه بر زبان جاری نکرده باشد. اما اگر بر عکس باشد، یعنی با زبان «استغفرالله» بگوید اما در قلبش پشیمان نباشد، چنین کسی توبه نکرده است.

بیشتر بدانیم

امام باقر (علیه السلام) به یکی از یاران خود فرمود :

ای محمدبن مسلم! گناهان مؤمن، وقتی که از آنها توبه می‌کند، بخشیده است. پس مؤمن، باید بعد از توبه کردن، عمل را از نو آغاز کند و زندگی را از سر گیرد. البته آگاه باش که این امتیاز فقط برای اهل ایمان است.

۱- سورة مائده، آیه ۳۹.

۲- کافی، کلینی، ج ۲، ۴۲۶.

محمدبن مسلم از امام سؤال کرد: اگر مؤمن بعد از توبه و استغفار، باز هم به طرف گناه بازگشت، آن وقت چه می‌شود؟

امام فرمود: ای محمدبن مسلم! تو خیال می‌کنی مؤمن از گناهش پشیمان می‌شود و از آن استغفار می‌کند، اما خداوند توبه او را قبول نمی‌کند؟!

محمدبن مسلم بار دیگر می‌پرسد: حال اگر این توبه شکستن را بارها تکرار کند و پس از هر گناه باز هم توبه کند و از خدا طلب بخشش نماید، باز هم قبول است؟

امام در جواب فرمود: هر وقت مؤمن با استغفار و توبه به سوی خدا باز گردد، خدا هم با بخشش به سوی او باز می‌گردد. (سپس امام این آیه را خواند: «اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و می‌داند که چه می‌کنید.»^۱)

سپس اما به محمدبن مسلم تذکر داد و فرمود: مراقب باش! مؤمنین را از رحمت خدا مأیوس

نکنی^۲

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست و شو می‌دهد. به همین جهت این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» نیز می‌گویند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ

کسی که از گناه توبه کرده

كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ

مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.^۳

امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید:

التَّوْبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلُوبَ

توبه دل‌ها را پاک می‌کند

و تَغْسِلُ الذُّنُوبَ^۴

و گناهان را می‌شوید

۱- سوره شوری، آیه ۲۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۳۴

۳- همان، ص ۱۲۶

۴- مستدرک الوسائل، میرزانوری، ج ۱۲، ص ۱۲۶

در اینجا باید چند نکته توجه کرد :

۱- با توبه، همه گناهان، حتی شرک هم آمرزیده می‌شود.

خداوند به پیامبرش پیام می‌دهد که: «بگو ای بندگانم که زیاده به خود ستم روا داشته‌اید، از رحمت الهی نومید مباشید، خداوند همه گناهان را می‌بخشد، چرا که او آمرزگار مهربان است.»^۱

۲- توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه اگر ایمان و عمل صالح به کمک آن بیایند گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند. خداوند می‌فرماید: «کسی که باز گردد و ایمان آورد و عمل صالح پیشه گیرد، خداوند سیئات آنان را به حسنات تبدیل می‌کند زیرا خداوند بسیار آمرزنده و بسیار مهربان است.»^۲

۳- توبه در جوانی آسان‌تر است و خداوند توبه جوانان را بسیار دوست دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «چیزی نزد من محبوب‌تر از جوان توبه‌کار نیست.»^۳

۴- در توبه همیشه باز است، اما توفیق توبه همواره میسر نیست. باید لحظه‌های توفیق را شکار کرد و خود را در دامن مهر خداوند انداخت. شیطان قبل از گناه، به انسان وعده توبه می‌دهد و بعد از گناه او را مأیوس از توبه می‌کند. مواظب باشیم در دام‌های شیطان گرفتار نشویم. درست است که هر وقت برگردیم خدا قبولمان می‌کند، اما اگر انسانی غرق گناه شود، دیگر معلوم نیست که میل به توبه پیدا کند. شاید گناه به قدری بر روحش غلبه کند که هیچ وقت نتواند قلباً پشیمان شود و وقتی که پشیمانی قلبی نباشد، توبه‌ای صورت نگرفته است..

۵- تکرار توبه، اگر واقعی باشد، نه تنها به معنی دور شدن از خداوند نیست، بلکه موجب محبوب شدن انسان نزد خداوند و جلب رحمت او می‌شود. خداوند می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ
وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ^۴
خداوند بسیار توبه‌کنندگان را دوست دارد
و پاکیزگان را دوست دارد.

بنابراین، اگر کسی گناهی مرتکب شد و توبه کرد، اما بار دیگر مرتکب گناه شد، بهتر است باز هم توبه کند و از خداوند عذرخواهی نماید. خداوند کسانی را که فوراً از گناه خود ناراحت می‌شوند و بسیار توبه می‌کنند دوست دارد. زیرا می‌بیند چنین فردی، در عین افتادن در دام هوی، اما قلبش نزد اوست و به سرعت از عمل خود پشیمان می‌شود.

۱- سوره زمر، آیه ۵۳

۲- سوره فرقان، آیه ۷۰

۳- مشکاة الانوار، ص ۱۷۰.

۴- سوره بقره، آیه ۲۲۲.

فکرهای شیطان

شیطان، برای دور کردن انسان از توبه تلاش فراوان می‌کند و با حيله و فریب مانع توبه انسان‌ها می‌شود، از جمله اینکه :

۱- ابتدا انسان را با وعده توبه به سوی گناه می‌کشاند و وقتی که فرد بی‌گناه آلوده شد، انسان را از رحمت الهی مأیوس می‌کند و می‌گوید «آب که از سر گذشت چه یک وجب و چه ده وجب.»

۲- انسان را به «تسویف» می‌کشاند. «تسویف» به معنای «تسوف» گفتن است. «سوف» نیز به معنی «به‌زودی» است. به عبارت دیگر، فرد گناه کار دائماً به خود می‌گوید «به‌زودی توبه می‌کنم.» و این گفته را آن قدر تکرار می‌کند تا اینکه دیگر میلی به توبه در او خاموش می‌شود.

این حيله شیطان، به‌خصوص برای جوان بیشتر به کار می‌رود. به او می‌گوید تو هنوز جوانی و فرصت توبه داری، بالاخره در آینده می‌توانی توبه کنی. اما این یک دام است و سبب عادت جوان به گناه می‌شود به طوری که ممکن است ترک گناه سخت گردد.

مولوی، درباره کسی که فریب شیطان را می‌خورد و توبه را به تأخیر می‌اندازد، مثال زیر را می‌زند :

همچو آن شخصِ درشتِ خوش سُنُّن	در میان ره نشاند او خارِئُن
هر دمی آن خارِئُن افزون شدی	پای خلق از زخم آن پرخون شدی
جامه‌های حَلَق بدریدی زخار	پای درویشان بِحَسْتی زار زار
چون به جد حاکم بدو گفت این بکن	گفت آری برگم روزیش من
مدتی فردا و فردا وعده داد	شد درخت خارِ او محکم نهاد
گفت روزی حاکمش ای وعده کز	پیش آ در کار ما واپس مَعَز
تو که می‌گویی که فردا، این بدان	که به هر روزی که می‌آید زمان
آن درختِ بد جوان‌تر می‌شود	وین گننده پیر و مضطر می‌شود
خارِئُن در قوّت و برخاستن	خارگن در پیری و در کاستن
خارِئُن هر روز و هر دم سبزتر	خارگن هر روز زار و خشک‌تر
او جوان‌تر می‌شود تو پیرتر	زود باش و روزگار خود بپیر ^۲

۱- این را بدان و متوجه باش.

۲- مثنوی مولوی، دفتر دوم

۳- مایوس کردن از رحمت خداوند، روش دیگر شیطان برای کشاندن انسان به شقاوت است. در حالت یأس، انسان با خود می‌گوید که کارم از کار گذشته و پرونده‌ی عملم نزد خداوند آن قدر سیاه است که دیگر توبه‌ام پذیرفته نیست. در حالی که انسان هر قدر هم که بد باشد، اگر واقعاً توبه کند و نادم و پشیمان باشد، حتماً خداوند توبه او را می‌پذیرد.

طمع ز فیض کرامت مبر که خلق کریم گنه بیخشد و بر عاشقان بیخشاید
مقیم حلقه ذکر است دل، بدان امید که حلقه‌ای ز سر زلف یار بگشاید

مراحل تکمیلی توبه

همان‌طور که گفته شد، حقیقت توبه همان حالت پشیمانی و تصمیم بر ترک گناه است. اما این پشیمانی و تصمیم آثار و نتایجی دارد که در زندگی شخص توبه‌کننده خود را نشان می‌دهد؛ از جمله اینکه:

۱- عدم تکرار گناه: توبه‌کننده تلاش می‌کند دیگر به سراغ گناهی که از آن پشیمان شده، نرود. زیرا انجام آن مساوی با شکستن توبه است، که در آن صورت، باز هم باید توبه کند. به عبارت دیگر اگر توبه‌کننده حقیقتاً توبه کرده باشد، گرچه ممکن است به آن گناه علاقه‌ای هم داشته باشد، ولی تلاشی برای دوری از آن دارد و می‌خواهد از آن دوری نماید.

اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمه استغفار، در حال انجام گناه، نه تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. به همین جهت امام رضا (علیه السلام) فرموده:

الْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ کسی که از گناه استغفار کند
وَيَفْعَلُهُ و در عین حال، انجامش دهد
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ! مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.

بررسی

برای اینکه حالت پشیمانی، به ترک گناه بینجامد، چه راه‌حلی را پیشنهاد می‌دهید؟

۱- کافی، همان، ج ۲، ص ۴۳۴

۲- همان، ج ۲، ص ۵۰۴

۲- جبران حقوق الهی و حقوق مردم؛ توبه کننده تلاش می کند حقوقی را که با گناه خود ضایع کرده و سبب ظلم به دیگران شده، جبران نماید. دسته‌ای از این حقوق، مربوط به خداوند است. مهم‌ترین حق خداوند نیز، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست داده را قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه کار تلاش خود را کرده و نتوانسته همه گناهان را جبران کند، بقیه موارد را خود جبران نموده و او را عفو می کند.

خودارزیابی

رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه ریزی نمایید.

دسته‌ای دیگر، حقوق مردم است. فرد توبه کننده باید بکوشد ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، به نیابت آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید. توجه کنیم که حقوق بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا راه انداختن یک شبکه اجتماعی گمراه کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

توبه اجتماعی

آنچه تاکنون گفته شد، مربوط به توبه فردی بود. اما اگر جامعه‌ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح، یعنی نیازمند توبه اجتماعی است.

انحراف‌های اولیه اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و

اطاعت از غیر خدا، از جمله این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

مهم‌ترین راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و در تمام سطوح جامعه نفوذ می‌کنند. در واقع اگر مردم در برابر این گناهان حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع صلاح و درستی باز گردانند، به آسانی می‌توانند مانع گسترش گناهان شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و نیاز به تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های اساسی و زیربنایی پیدا می‌شود؛ تا آنجا که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهاند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر مردم در همان روزهای اول که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) برای کوتاه کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به‌طور دسته‌جمعی از ایشان حمایت می‌کردند، ممکن بود جنگ صفین رخ نمی‌داد و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به‌طور همه‌جانبه از امام حسن (علیه السلام) پیروی می‌نمودند و مانع به قدرت رسیدن معاویه می‌شدند، به‌طور طبیعی یزید نیز به حکومت نمی‌رسید. و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می‌کردند و زیر بار نمی‌رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی‌شد که لازم باشد امام حسین (علیه السلام) و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

بیشتر بدانیم

هنگامی که امیرالمؤمنین برای مبارزه با معاویه وارد صفین شده بود، برای لشکریان خود سخنرانی مهمی کرد. در قسمتی از این سخنرانی می‌فرماید:

«آنگاه که مردم بر حاکم چیره شوند و از وی اطاعت نکنند، یا حاکم بر مردم ستم ورزد، در این هنگام اختلاف و تفرقه پدید می‌آید و نشانه‌های ظلم و تجاوز آشکار می‌شود و فریبکاری در دین رواج می‌یابد و راه‌های روشن و سنت‌ها رها می‌گردد. در این هنگام است که از روی هوی و هوس عمل شود و احکام خدا تعطیل گردد و بیماری‌های قلب و روح فراوان شود. در چنین شرایطی دیگر مردم نمی‌ترسند که حق بزرگی را فروگذار نمایند یا باطلی بزرگ انجام شود. در این هنگام نیکوکاران ذلیل و اشرار عزیز شوند و عقوبت خداوند در حق بندگان بزرگ گردد.»

سپس به مردم چنین پیشنهاد می‌کند: «پس ای مردم! بر شما باید خیرخواهی در اجرای حقوق

و یاری نیکوی یکدیگر بر آن، زیرا هیچ کس، هر اندازه هم که در به دست آوردن رضای خداوند حریص باشد و تلاشش در راه اطاعت و بندگی خدا فراوان باشد، نمی تواند به حقیقت اطاعتی که شایسته خداوند است برسد...^۱

تا چه زمانی برای توبه کردن مهلت داریم؟

تمام طول عمر ظرف زمان توبه است^۲، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که امکان توبه بیشتر و انجام آن آسان تر و جبران گذشته راحت تر است. بر این اساس، باید به این نکته توجه کنیم:

دوره جوانی دوره انعطاف پذیری، تحوّل و دگرگونی و دوره پیری دوره کم شدن انعطاف، تثبیت خوی ها و خصلت هاست. اگر در دوره جوانی خصلت هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آنها در پیری بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود. صفات ناپسندی که در ما پدید می آیند، شبیه ریشه های درختی است که در خاک نفوذ می کنند که هر قدر زمان می گذرد، آن ریشه ها بیشتر نفوذ می کنند و قوی تر می شوند و کندن آن درخت سخت می شود.

پس توجه داشته باشیم که گناه در دوره جوانی به امید توبه کردن در دوران پیری، حیلۀ خطرناک شیطان است. زیرا پیری محصول کثت جوانی است. نمی توان از این محصول به آسانی فاصله گرفت و از آن دور شد. فریب بزرگ شیطان این است که لذت و خوشی گناه را برتر از لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می دهد. آدم های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی خورند. آنان که خوشی و لذت را در گناه جست و جو می کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی های روحی و روانی درگیر می شوند که نمی گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. اما چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ تر می کنند تا اینکه سرانجام به طور کامل در منجلاب فساد غرق می شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی یابند. اما خداوند برنامه زندگی را برای مؤمنان به گونه ای تنظیم کرده که هم از لذت های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بدون ارتکاب گناه و به دور از رنج های روانی، از لذت های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

۱- نهج البلاغه، بخشی از خطبه ۲۱۶.

۲- اصول کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۴۰، کتاب کفر و ایمان

امام خمینی (ره) می‌گوید :

«بهارِ توبه، ایام جوانی است، که بار گناهان کمتر و کدورت قلبی و ظلمت باطنی ناقص‌تر و شرایط توبه سهل‌تر و آسان‌تر است. انسان در پیری، حرص و طمع و حبّ جاه و مال و طول آرزویش بیشتر است، و این به تجربه ثابت شده است و حدیث شریف نبوی شاهد بر آن است. فرض کنیم که انسان بتواند در ایام پیری به توبه قیام کند، از کجا به پیری برسد و اجل موعود، او را در سن جوانی و در حال اشتغال به نافرمانی نر باید و به او مهلت دهد؟...

پس ای عزیز، از کیدهای شیطان بترس و در حذر باش، و با خدای خود مکر و حيله مکن که پنجاه سال یا بیشتر شهوت‌رانی می‌کنم و دم مرگ با کلمه استغفار جبران گذشته می‌کنم؛ اینها خیال خام است. اگر در حدیث دیدی یا شنیدی که حق تعالی بر این امت لطف فرموده و توبه آنها را تا قبل از مشاهده آثار مرگ یا خود آن قبول می‌فرماید، صحیح است؛ ولی هیبت‌ها که در آن وقت توبه از انسان سرزند! مگر توبه لفظ است؟! اقدام به توبه زحمت دارد؛ برگشت و عزم بر برگشت نکردن، ریاضت‌های علمی و عملی لازم دارد، ... چه بسا باشد که قبل از فکر توبه یا عملی کردن آن، اجل مهلت ندهد و انسان را با بار معصیت‌های سنگین و ظلمت بی‌پایان گناهان، از این جهان منتقل نماید. آن وقت خدا می‌داند که انسان به چه گرفتاری‌ها و بدبختی‌ها دچار می‌شود ...

پس ای عزیز، هرچه زودتر دامن همت به کمر بزن و عزم راسخ و اراده را قوی کن و از گناهان، تا در سن جوانی هستی یا در حیات دنیایی به سر می‌بری، توبه کن و مگذار فرصت خداداد از دست برود؛ به تسویلات^۱ شیطنی و کیدهای نفس اماره اعتنا مکن.^۲

مثنوی مولوی/ دفتر دوم

اندیشه و تحقیق

- ۱- با توجه به سخن امیرمؤمنان، چه چیزی قلب‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید؟
- ۲- با توجه به سخن رسول خدا ﷺ شخص توبه‌کننده مانند چه کسی است؟

۱- تسویل : اغوا کردن، به گمراهی افکندن، آراسته و زیبا جلوه دادن

۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی (رحمة الله علیه)، ص ۲۷۳ (با سادسازی برخی کلمات و عبارات)

برخیز تا به عهد امانت وفا کنیم
 بی مغز بود سر که نهادیم پیش خلق
 دارالشفای توبه نبسته است در هنوز
 روی از خدا به هر که کنی شرک خالص است
 تقصیرهای رفته به خدمت قضا کنیم
 دیگر فروتنی به در کبریا کنیم
 تا درد معصیت به تدارک دوا کنیم
 توحید محض کز همه رو در خدا کنیم
 تا کی مقام دوست به دشمن رها کنیم
 چندین به دست دیو زبونی چرا کنیم
 چون برترین مقام ملک دون قدر ماست

پیشنهاد

مناجات التائبین را در کتاب «مفاتیح الجنان» بخوانید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

الف) گناه چه آثاری در وجود انسان باقی می‌گذارد؟

ب) چه اموری است که جز خداوند، دیگری توان انجام آن را ندارد؟

ج) خداوند چه راهی پیش پای گناهکار قرار داده که راه عذرآوردن را بر او بسته است؟